

## تأثیر حضور اتباع بیگانه بر وقوع جرم در شهرستان‌های کرمان و جیرفت

محمود مهدوی<sup>۱</sup> و الهام شریفی‌راینی<sup>۲</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** در پژوهش حاضر، با فرض تأثیر مهاجرت غیر قانونی بر ظرفیت جنایی جامعه مورد مطالعه، تلاش شد پیامدهای منفی مهاجرت، با هدف پیشگیرانه، به گونه‌ای جامع بررسی شود؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر حضور اتباع بیگانه بر قابلیت وقوع جرم در شهرستان‌های کرمان و جیرفت انجام شد. **روش‌شناسی:** در این پژوهش با مراجعه به دادگستری‌های کرمان و جیرفت پرونده‌های مرتبط با موضوع پژوهش بررسی شد و با تشکیل گروه کانونی و انجام مصاحبه و تکمیل پرسشنامه، متغیرهای مورد نظر مورد سنجش قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل همه بزهکاران افغانستانی و ایرانی محبوس در زندان‌های شهرستان‌های کرمان و جیرفت (به ترتیب ۲۲۰ و ۸۸ نفر) بود. بر اساس جدول کرجسی مورگان، به ترتیب تعداد ۱۳۲ و ۵۶ پرسشنامه بین زندانیان یادشده توزیع شد و در شهرستان جیرفت، به دلیل محدود بودن جامعه، تمام افراد به عنوان نمونه انتخاب شدند. جامعه آماری بخش اسنادی نیز پرونده‌های قضایی مرتبط، در دادرهای شهرستان‌های کرمان (۲۷۹۲ پرونده) و جیرفت (۱۹۱ پرونده) در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ بود. پس از گردآوری اطلاعات، از آزمون ضریب همبستگی برای تعیین ارتباط بین مؤلفه‌ها و از آزمون تی برای بررسی تفاوت بین متغیرها استفاده شد. **یافته‌ها و نتایج:** نتایج نشان داد که اتباع افغانستانی ساکن در شهرستان جیرفت، بیشتر بزه‌دیده و مهاجران در کرمان بیشتر بزه‌کار هستند. همچنین ارتباط مستقیمی بین وضعیت اقامت و سطح جرم در مجرمان افغانستانی وجود دارد و آنان که فاقد کارت اقامت هستند جرائم سنگین‌تری مرتکب شده‌اند؛ این موضوع در مورد افغانه‌ای که قصد بازگشت به افغانستان را دارند نیز صدق می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** مهاجرت، اتباع بیگانه، ظرفیت جنایی، وضعیت پیش جنایی، شخصیت جنایی.

□ **استناد:** مهدوی، محمود؛ شریفی‌راینی، الهام (زمستان، ۱۳۹۷). تأثیر حضور اتباع بیگانه بر وقوع جرم در شهرستان‌های کرمان و جیرفت.

فصلنامه رهیافت پیشگیری، ۱(۴)، ۱۳-۳۲.

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول). رایانامه: mkhashi@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران. رایانامه: esharifrayeni@gmail.com

## مقدمه

اتباع افغانستانی در اواخر دهه ۵۰ برای کسب و کار به ایران مهاجرت کردند و اوج این مهاجرت در دهه ۶۰ اتفاق افتاد. شکاف سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی بین کشورها و رعایت نکردن استانداردهای رفتار دولت‌ها با مردم خود، از دلایل مهاجرت و پناهندگی است. از طرف دیگر، این پناهندگان از حمایت مناسبی از سوی کشور پذیرنده نیز بهره‌مند نمی‌شوند. این موضوع لزوم وجود حمایت بین‌المللی را پررنگ می‌کند و سازمان‌هایی در سطح بین‌المللی بدین منظور تأسیس شده‌اند. از جمله این سازمان‌ها، سازمان عالی کمیساریای پناهندگان است (فدوی بنده قرایی، ۱۳۸۶). در واقع این سازمان نقش نظارتی نیز دارد تا کشور میزبان به وظایف خود در مقابل پناهجویان عمل کند و آن‌ها را به زور به مناطق در معرض خطر باز نگرداند (تضمین اصل خودداری از بازگرداندن) (برومند، ۱۳۸۳). در این راستا، سازمان یادشده اردوگاه‌هایی در استان‌های مختلف برای همین امر ایجاد کرد. در استان کرمان سه اردوگاه در شهرهای رفسنجان، بردسیر و رودبار جنوب ایجاد شد. با اعتبارات و کمک‌های سازمان ملل (کمیساریای پناهندگان) ۳۰۰۰ هکتار زمین در نظر گرفته شد که در ۶۰۰ هکتار آن ۹ حلقه چاه عمیق جهت کشاورزی برای اشتغال اتباع افغانستانی حفر شد و مهاجران در چادرهای نصب شده در مجتمع یادشده ساکن شدند. از آنجا که بیشتر ساکنان اردوگاه اهالی شهرهای سرپل و سوزمه قلعه افغانستان، با آب و هوایی سرد، بودند تحمل شرایط آب و هوای بسیار گرم تابستان‌های منطقه چاه حسن، که اردوگاه در آن بنا شده بود را نداشتند. تابستان‌های بسیار گرم منطقه بدون امکانات سرمایشی، شرایطی سخت برای مهاجران، به‌ویژه برای افراد پیر و نوزادان به‌وجود آورد، به‌طوری که مرگ و میر کهنسالان و نوزادان تازه متولد شده را به‌دنبال داشت. اما در زمستان به دلیل کاشت محصولات جالیزی از سوی مردم منطقه و بکارگیری کارگران افغانی، اردوگاه از لحاظ اشتغال و درآمدزایی مکانی بسیار مناسب برای مهاجران محسوب می‌شد. به دلیل گرمای تابستان و نبود امکانات رفاهی، مهاجران در تابستان‌ها به پارک جنگلی محمدآباد منتقل می‌شدند و در زمستان به رودبار بازمی‌گشتند، تا اینکه در سال ۱۳۷۲ مهاجران افغان به‌طور کامل به اردوگاه مهمانشیر بردسیر منتقل شدند. در سال ۱۳۸۶ به بعد، مردم و مسئولان بردسیر نارضایتی‌هایی مبنی بر اینکه حضور اتباع افغانستانی مهاجر در این شهر باعث افزایش بیکاری در میان جوانان بردسیر شده و بیشتر مشاغل در امر کشاورزی و دامداری به اتباع افغانستانی سپرده می‌شود، ابراز داشتند. اعتراض بسیار مهم دیگر درباره

فاضلاب اردوگاه بود که به یک چاله ریخته می‌شد و مسئولان و مردم معتقد بودند که این امر آب شرب بردسیر را آلوده کرده است. در نتیجه این اعتراضات، مسئولان با هم فکری اعضای شورای مهاجران در اردوگاه به این تصمیم رسیدند که جمعیت ۸۰۰۰ نفری اردوگاه باید به حداقل برسد. در پی این تصمیم، طوایفی که در اردوگاه مشکل خاصی داشتند از آنجا طرد کردند. اتباع افغانستانی طرد شده نیز در سطح شهرهای استان پراکنده شدند و دیگر از اندک حمایت‌های سازمان ملل نیز محروم ماندند.

از دلایل حجم زیاد مهاجرت اتباع افغانستانی به ایران حمله روس‌ها به کشورشان، ناامنی و فقر حاصل از جنگ‌های متعدد، درگیری‌های داخلی و حضور طالبان در منطقه بود که شرایط زندگی را برای اتباع افغانستانی بسیار سخت و طاقت فرسا کرد، به طوری که حتی پس از خروج روس‌ها و در سال‌های اخیر با وجود نبود جنگ در افغانستان (به دلیل ناامنی، نبود شرایط کار، وجود فقر و کمبود امکانات بهداشتی) هنوز هم شاهد مهاجرت و حضور اتباع افغانستانی در بسیاری از استان‌های کشور هستیم. استان کرمان به دلیل وضعیت جغرافیایی و کوهستانی بودن منطقه، نزدیکی به مناطق مرزی و همسایگان شرقی از جمله افغانستان، با ورود بدون ضابطه اتباع بیگانه روبه‌رو است. با بررسی‌های به عمل آمده از اداره کل امور اتباع و مهاجران خارجی استان کرمان و مصاحبه‌های انجام شده، می‌توان گفت که حدود ۱۰۰ هزار نفر اتباع افغانستانی مجاز در استان حضور دارند و همچنین حدود ۲۰۰ هزار نفر اتباع افغانستانی غیر مجاز نیز در سطح استان پراکنده‌اند، که شهر کرمان از این میزان مهاجرت افغانه، حدود ۲۵ درصد را به خود اختصاص می‌دهد. در شهرستان جیرفت نیز تا اوایل دهه ۸۰ تعداد اتباع افغانستانی مجاز بین ۴ تا ۵ هزار نفر بوده است و در نیمه دوم سال ۸۵ با شروع طرح شناسایی اتباع افغانستانی حدود ۹۰۰۰ نفر شناسایی شده‌اند. درخصوص ورود غیر قانونی اتباع افغانستانی به ایران، مقالاتی وجود دارد که به صورت جداگانه اثرات اجتماعی و حقوقی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. از جمله می‌توان به ازدواج اتباع افغانستانی با زنان ایرانی، وضعیت حقوقی کودکان بی‌هویت متولد شده از این ازدواج‌ها و تأثیر مهاجران افغانی بر سطح دستمزدها و اشتغال در ایران اشاره کرد، ولی در این پژوهش‌ها به طور مشخص مباحث یادشده از دیدگاه جرم‌شناختی و تأثیر هر کدام بر ظرفیت جنایی آن در جامعه مورد توجه قرار نگرفته‌اند. با توجه به حضور جمعیت زیادی از افغان‌های غیر مجاز در شهرستان‌های کرمان و جیرفت و بالا بودن آمار جرم و جنایت این افراد در این شهرستان‌ها و تأثیر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حضور آنها در جامعه، ضرورت انجام

پژوهش‌های جرم‌شناختی در این موارد کاملاً ملموس است. بنابراین در این پژوهش، با فرض تأثیر مهاجرت غیر قانونی بر ظرفیت جنایی جامعه مورد پژوهش، تلاش بر آن است که پیامدهای منفی مهاجرت، با هدف پیشگیری، به گونه‌ای جامع به نقد و بررسی گذاشته شود و به ارتباط تنگاتنگ آن با جرم‌زایی در مناطق مورد پژوهش پرداخته شود، تا با توجه به واقعیت وجود اتباع بیگانه در جامعه به دنبال راهکارهایی مؤثر در پیشگیری از جرم، گامی به سوی کمرنگ کردن و در نهایت حذف عوامل جرم‌زا برداشته شود.

### مبانی نظری

مهاجرت یک پدیده استثنایی است، زیرا اکثریت مردم کشش به ترک شهر خود ندارند و دولت‌ها نیز بر انتقالات برون مرزی مردم از طریق روادید کنترل دارند (مارتین و ویگرن، ۱۳۸۶، ص ۱). از نظر لغوی، مهاجرت به معنای از جایی به جای دیگر رفتن و در آنجا منزل کردن و دوری کردن از شهر و دیار خود است (عمید، ۱۳۸۸، ص ۸۹۴). در اصطلاح حقوقی، مهاجرت رفتن از محلی به محل دیگر برای مدت نسبتاً طولانی (خواه محدود باشد، خواه نامحدود) از جهت ترک یک محل و منشاء مهاجرت و از حیث ورود به محل معین و مقصد مهاجرت نامیده شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۷۰۱).

گاروفالو<sup>۱</sup>، مبتکر مفهوم ظرفیت جنایی، در تبیین آن آورده است که ظرفیت جنایی تعیین فساد ثابت و موثر بزهکار و میزان شری است که از جانب او می‌توان انتظار داشت. برای ارزیابی ظرفیت جنایی باید عناصر تشکیل دهنده آن تعیین شوند. مهمترین این عناصر، میزان زیان بخشی و درجه اخافه‌پذیری شخص بزهکار است. در این مرحله، فقدان نظریه شخصیت جنایی احساس شد، زیرا برای محاسبه اینکه فرد تا چه حد در آستانه بزهکاری قرار دارد باید مشخصات روانی او بررسی شود. با طرح نظریه شخصیت جنایی توسط ژان پیناتل<sup>۲</sup> ارزیابی ظرفیت جنایی ممکن شد. برای تشخیص ظرفیت جنایی باید دید آیا چیزی در برابر بزهکار قرار می‌گیرد که او را از ارتکاب جرم باز دارد. اگر رسوایی اجتماعی نتواند جلوی فرد را بگیرد و ترس از شدت کیفر نیز مانع او نشود، فرد دارای خصلت اخافه‌ناپذیری است و نسبت به تعرض به جان و مال دیگران بی تفاوت و تاثیرناپذیر می‌شود. بنابراین می‌توان گفت بزهکاری دارای

1. R. Garofalo  
2. Jean Pinatel

ظرفیت جنایی است که «بر اثر خودبینی و خودفریبی و با دلیل تراشی و مشروع قلمداد کردن ذهنی، خود را از فشار ننگ اجتماعی رهایی داده و بر مشکل ترس فائق می آید، بدون ترس از عواقب شوم عمل خود تصمیم می گیرد، در آستانه ارتکاب جرم قرار گرفته و مرتکب جرم می شود.» (فرایند کنترل اجتماعی در برگزیده مجموعه ای از منابع مادی و نمادین و اصول و قوانین معین و دارای ضمانت اجراست که جامعه اختیار دارد از آنها برای تضمین همنوایی رفتار اعضای خویش در برابر کجروی استفاده کند) (بابایی، ۱۳۹۰، ص ۳۴). در نظریه کنترل اجتماعی به ساختار اجتماعی و میزان کنترلی که جامعه بر فرد اعمال می کند، توجه می شود. البته عوامل کنترل درونی و غیررسمی نیز وجود دارند که علاوه بر کنترل رسمی، فرد را با هنجارهای جامعه همنوا می سازند. زمانی که این کنترل، چه به صورت غیررسمی و از طریق خانواده و مدرسه و چه به صورت رسمی و از طریق قوانین و ضمانت های اجرای آن، کارایی لازم را نداشته باشد، جامعه دچار بی سازه‌مانی گردیده و با آسیب های اجتماعی، رفتارهای انحرافی و جرم روبرو می گردد (ابوالمعالی، ۱۳۸۹، ص ۲۰).

آثار اقتصادی حضور مهاجران افغانستانی در کرمان و جیرفت: در شهرستان جیرفت، از سال ۶۰ حدود ۹۰۰۰ نفر از اتباع افغانستانی حضور داشته اند. از این تعداد فقط ۱۰ درصد آنان در اردوگاه ها ساکن بوده اند. به دلیل فقر اقتصادی و برای کم کردن هزینه اجاره مسکن، چندین خانوار در یک خانه ساکن می شدند و بدون داشتن امکانات مناسب از لحاظ بهداشتی در یک اتاق تعداد زیادی از مهاجران زندگی می کردند. در شهرستان جیرفت زمین های کشاورزی وسیعی زیر کشت هستند و باغ های مرکبات زیادی وجود دارد. نیاز شدید به نیروی کار در امر کشاورزی بسیاری از اتباع افغانستانی مهاجر را در این شهرستان ماندگار کرده است. تعدادی از آنها که کارگر غیر ماهر بودند به کارگری و تعدادی به خیاطی، صافکاری، گچ کاری و دیگر کارهای ساختمانی مشغول شدند. پس از گذشت سال ها، کارفرمایان متوجه نیروی کار ارزان تر با بازدهی بیشتر شده و به جای کارگر بومی از کارگران مهاجر استفاده کردند. این امر از لحاظ اقتصادی به ضرر بسیاری از اقشار کم درآمد شده بود. بسیاری از کارگران و گچ کارهای جیرفتی بیکار شدند و آسیب های اجتماعی و اقتصادی به خانواده های آنها وارد شد، که اعتراض کارگران و اصناف مختلف را به همراه داشت. نگاه مردم نسبت به آنها تغییر کرد و مهاجران را عامل اصلی بیکاری و معضلات اجتماعی جامعه خود می دانستند. شهر کرمان نیز میزبان جمعیت زیادی از مهاجران افغانستانی چه به صورت مجاز

و چه غیر مجاز است و در سال‌های پس از ممنوع شدن استان سیستان و بلوچستان و شهرستان جیرفت برای حضور اتباع یادشده، بر این جمعیت افزوده شد و اثرات منفی حضور آنان اعتراض مردم کرمان را به همراه داشته است. از لحاظ شهری، در برخی محله‌ها تعداد زیاد مهاجران و زندگی پرجمعیت همراه با نگهداری گاو و گوسفند و همین‌طور جمع کردن ضایعات در اطراف منازل خود، باعث زشت شدن چهره محله و گسترش بیماری در میان ساکنان شده است.

**آثار اجتماعی- فرهنگی حضور مهاجران:** در بسیاری از مناطق شهرستان جیرفت تعداد زیاد خانواده‌های افغانستانی محیط شهری را به هم ریخته و به دلیل تعداد زیاد فرزندان، مزاحمت‌هایی برای همسایگان آنان ایجاد می‌شد و آنان را تبدیل به مزاحمان پر سر و صدا کرده بود. از طرفی پس از آنکه اوضاع اقتصادی مهاجران رو به بهبود گذاشت برخی از آنان برای ارضاء امیال شهوانی و همین‌طور برای گرفتن اقامت در ایران با زنان ایرانی ازدواج کردند. زنان ایرانی که حاضر به ازدواج با مهاجران افغانستانی می‌شدند از خانواده‌های بسیار کم درآمد، با تعداد زیاد اعضای خانوار هستند که برای کم کردن یک نان خور و گرفتن پول از اتباع افغانستانی دختر خود را به عقد آنها در می‌آوردند؛ این موضوع اثرات منفی فرهنگی و اجتماعی زیادی به دنبال داشت. برخورد فرهنگ‌های دوگانه با انتظارات متفاوت همراه با نگاه تحقیرآمیز مردم شرایط سختی را برای این زنان ایجاد می‌کرد. زنانی که هیچ شناختی از مردم افغانستان نداشته و حتی نمی‌دانستند که آیا آنها در افغانستان دارای زن و فرزند هستند یا خیر و فقط به دلیل نداشتن توان مالی و به دنبال سرپناه، به عقد این افراد در می‌آمدند. گاه دیده شده است که مهاجران افغانستانی با سه زن ایرانی ازدواج کرده و هر سه زن در یک اتاق زندگی می‌کنند. بیشتر این ازدواج‌ها به دلیل ناآگاهی زنان از پیامدهای منفی پس از آن به صورت غیر قانونی و بدون اینکه در جایی ثبت شوند اتفاق می‌افتد. این زنان دیگر توان اثبات ازدواج خود را ندارند و کودکانی هم که از این ازدواج‌ها متولد می‌شوند بی‌هویت هستند. پس از ممنوع شدن شهرستان جیرفت برای حضور اتباع افغانستانی، ۸۰ درصد آنها شهر جیرفت را به مقصد شهرهای کرمان، رفسنجان، سیرجان و شهرهای مرکزی کشور ترک کردند، اما ۲۰ درصد آنها که در شهر به صورت غیر قانونی ماندند، فرزندان‌شان از رفتن به مدرسه و استفاده از امکانات بهداشت عمومی مثل واکسیناسیون محروم شدند و در سطح شهر به جمع‌آوری ضایعات و کارگری مشغول شدند. این موضوع از لحاظ فرهنگی و اجتماعی، ضربه سختی به جامعه جیرفت وارد می‌کند. با وجود اینکه اطلاعات مربوط

به کودکان کار در استان کرمان نامشخص است، که شامل کودکان کار افغانی هم می‌شود، یک پژوهش در همین رابطه انجام شده است که نشان می‌دهد بیش از ۲۵ درصد کودکان کارگر افغان زیر ۱۱ سال هستند و این نسبت در میان کودکان کار ایرانی ۸/۸، درصد است. می‌توان نتیجه گرفت که کودکان افغان، حضور در بازار کار را از سنین بسیار پایین تجربه می‌کنند. نزدیک به ۷۸ درصد این کودکان به مدرسه نرفته‌اند و ۶۱ درصد آنان کاملاً بی‌سوادند (زند رضوی، ۱۳۹۰، ص ۲۰).

## روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش انجام پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، در بخش انسانی عبارت است از همه بزهکاران افغانستانی محبوس در زندان های شهرستان های کرمان و جیرفت (به ترتیب، ۲۱۵ و ۵ نفر) و همه بزهکاران ایرانی محبوس در زندان های شهرستان های کرمان و جیرفت که جرائمی مرتبط با اتباع افغانستانی مرتکب شده‌اند (به ترتیب ۶۵ و ۲۳ نفر). بر اساس جدول کرجسی و مورگان، به ترتیب تعداد ۱۳۲ و ۵۶ پرسشنامه بین زندانیان افغانستانی و ایرانی محبوس در زندان کرمان توزیع و از این تعداد به ترتیب ۵۰ و ۴۰ پرسشنامه توسط زندانیان تکمیل شد و این افراد به عنوان نمونه آماری مورد مطالعه در شهرستان کرمان مد نظر قرار گرفتند. در شهرستان جیرفت، به دلیل محدود بودن حجم جامعه آماری، تمام افراد جامعه (۲۸ نفر) به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند. در بخش اسنادی، جامعه مورد مطالعه شامل همه پرونده های قضایی مرتبط با افغانه، ورودی به دادرهای شهرستان های کرمان و جیرفت در سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، به ترتیب به تعداد ۹۸۲ و ۱۸۹۰ پرونده است که با توجه به محدودیت های موجود در دسترسی به مستندات قضایی، از نمونه گیری در دسترس استفاده شد و به ترتیب ۵۸ و ۴۵ پرونده در شهرستان های کرمان و جیرفت مورد مطالعه قرار گرفتند. برای جمع آوری داده ها از دو پرسشنامه محقق ساخته با پرسش های از نوع بسته - پاسخ و باز - پاسخ استفاده شد. پرسشنامه اول مرتبط با زندانیان ایرانی، مشتمل بر ۱۵ پرسش و پرسشنامه دوم مرتبط با زندانیان افغانستانی، مشتمل بر ۲۲ پرسش بود. روایی ظاهری و محتوایی هر دو پرسشنامه مورد تأیید اساتید فن و برخی مدیران ارشد حوزه مهاجرت و اتباع بیگانه قرار گرفت. پایایی پرسشنامه ها با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، به ترتیب با ۰/۸۳ و ۰/۸۱ تأیید شد. همچنین با استفاده از ابزار مصاحبه، با دادستان جیرفت،

فرمانده انتظامی جیرفت، برخی متصدیان ارشد اداره اطلاعات جیرفت، روسای سه کلانتری در جیرفت، دادستان کرمان، رئیس پلیس کرمان و یکی از مدیران ارشد اداره کل اتباع بیگانه استان کرمان، مصاحبه شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (فراوانی، میانگین، درصدها و رسم جداول و نمودارها) استفاده شد و برای بررسی همبستگی و تفاوت بین برخی شاخص‌ها از آمار استنباطی استفاده شد.

**معرفی محدوده مورد مطالعه:** شهر کرمان یکی از کلان‌شهرهای ایران و مرکز استان کرمان، پهناورترین استان ایران، در جنوب شرقی فلات مرکزی کشور واقع است. استان کرمان از شمال به استان‌های خراسان جنوبی و یزد، از شرق به استان سیستان و بلوچستان، از غرب به استان فارس و از جنوب به استان هرمزگان محدود می‌شود. وسعت شهر کرمان ۱۳۰۰۰ هکتار است و به همین دلیل در طبقه‌بندی شهرها جزء کلان‌شهرهای ایران قرار دارد. شهرستان جیرفت از شمال و شمال شرقی با کوه‌های بارز، ساردوئیه و شهرستان بم، از سمت جنوب شرقی با استان سیستان و بلوچستان، از سمت غرب با شهرستان بافت و از سمت جنوب با شهرستان کهنوج هم‌مرز است. این شهرستان دارای وضعیت جغرافیایی خاصی است. در حالی که شهر جیرفت و قسمت جنوبی آن در ارتفاعی تقریباً همسطح دریا قرار دارد و در نتیجه دارای آب و هوایی گرم و تابستانهای مرطوب است، در سه طرف آن مناطق جبالبارز، ساردوئیه و اسفندقه با ارتفاعی نسبتاً زیاد و آب و هوایی سرد قرار گرفته‌اند و این اختلاف ارتفاع و آب و هوای مناطق مختلف شهرستان، اختلاف رنگ، لهجه، فرهنگ و بسیاری عوامل دیگر را سبب شده است (صفا، ۱۳۷۳، ص ۲).

## یافته‌ها

**توصیف سیمای جنایی افغانه:** با توجه به اینکه بخشی از جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش اتباع افغانستانی بزهکار هستند، باید گفت تعداد بزهکاران محبوس در شهرستان جیرفت ۵ نفر است که جرم همه آنها ورود و اقامت غیر مجاز در شهرستان جیرفت است. از آنجا که شهرستان جیرفت برای حضور اتباع افغانستانی منطقه ممنوعه اعلام شده است، ورود و اقامت اتباع افغانستانی در این شهرستان، حتی با وجود کارت اقامت، جرم محسوب می‌شود. در زندان شهرستان کرمان تعداد ۲۱۵ نفر زندانی افغانستانی وجود دارد که جرایم آنان، به ترتیب، جرایم مربوط به مواد مخدر، سرقت، قتل، جعل اسناد مربوط به اقامت، خرید مال مسروقه، آدم‌ربایی، نزاع و خیانت در امانت است. در بیشتر این جرائم مرتکبان مباشر جرم



هستند و تعداد اندکی از آنها معاونت در جرم داشته‌اند. مجازات اتباع افغانستانی محبوس در زندان کرمان، بر اساس پرسشنامه‌های توزیع شده بین مجرمان و پرونده‌های مطالعه شده، به این صورت است که ۳۲ درصد آنها محکوم به حبس کمتر از ده سال شده‌اند و ۴ درصد با حبس بالای ده سال مجازات شده‌اند. همه مجرمان افغانستانی در زندان حیرفت متولد افغانستان و متأهل هستند. ۶۷ درصد مجرمان افغانستانی در زندان کرمان متأهل هستند؛ ۵۴ درصد این افراد فاقد کارت اقامت هستند و به صورت غیر مجاز در ایران و شهر کرمان حضور دارند. حدود ۶۲ درصد مجرمان افغانستانی متولد افغانستان و ۳۶ درصد آنها متولد ایران هستند. این نشان می‌دهد که ۳۶ درصد مجرمان افغانستانی مربوط به اتباع افغانستانی نسل دوم هستند که بیشتر آنها از داشتن شناسنامه و کارت اقامت محروم هستند.

**یافته‌های توصیفی مربوط به بزهکاران ایرانی در زندان کرمان:** بر اساس نتایج، در میان شرکت‌کنندگان در مطالعه افراد ۲۱ تا ۳۰ ساله بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین سن بزهکاران مذکور ۲۷/۵ سال بود. در میان افراد شرکت‌کننده در مطالعه، ۵۵ درصد را افراد مجرد و ۴۵ درصد را افراد متأهل تشکیل می‌دهند که از این میان ۹۵ درصد را افراد شیعه مذهب و ۵ درصد را اهل تسنن تشکیل می‌دادند. بر اساس نتایج در میان افراد شرکت‌کننده در مطالعه، ۷۵ درصد شاغل و ۲۵ درصد بیکار بودند و افراد با درآمد ماهیانه کمتر از ۳۰۰ هزار تومان دارای بیشترین فراوانی و افراد با درآمد ماهیانه بالای ۹۰۰ هزار تومان دارای کمترین فراوانی بودند. بیشترین فراوانی مربوط به خانوارهای ۳ تا ۵ نفره و کمترین فراوانی مربوط به خانوارهای ۱ تا ۲ نفره است. متوسط تعداد اعضای خانواده‌های افراد شرکت‌کننده در مطالعه، ۵ نفر است و در میان افراد شرکت‌کننده در مطالعه، افراد با تحصیلات ابتدایی - راهنمایی (قبل از دبیرستان) دارای بیشترین فراوانی و افراد بیسواد دارای کمترین فراوانی هستند.

کلیه بزهکاران ایرانی محبوس در زندان کرمان، شرکت‌کننده در مطالعه، اظهار داشتند که سابقه مصرف مواد مخدر ندارند. ۸۵ درصد اظهار داشتند که هیچ سابقه کیفری قبلی ندارند، در حالی که ۱۵ درصد معترف به سابقه کیفری قبلی بودند. همچنین، ۹۰ درصد ادعا کردند که تاکنون درگیری و بحثی با افغانه نداشته‌اند، و ۱۰ درصد باقیمانده به درگیری و بحث قبلی با افغانه اشاره کردند. ۱۵ درصد در پاسخ‌های خود بیان کردند که جرمی نسبت به آنها از طرف افغانه صورت گرفته است، و سایر افراد آن را رد کردند. نتایج نشان می‌دهد که بالاترین فراوانی مربوط به گروگان‌گیری و آدم‌ربایی و کمترین فراوانی مربوط به

قتل است و مجازات افرادی که به پرسش مربوطه در پرسشنامه پاسخ نداده‌اند، «قرار» در نظر گرفته شد. با توجه به این موضوع، بالاترین فراوانی مربوط به قرار است. کمترین فراوانی مربوط به مجازات قصاص است و به طور کلی ۷۸ درصد افراد شرکت کننده در مطالعه نسبت به افاغنه دید منفی دارند و با حضور آنها مخالف هستند.

**یافته‌های توصیفی مربوط به بزهکاران افغانستانی در زندان کرمان:** در میان شرکت کنندگان در مطالعه، افراد ۲۱ تا ۳۰ ساله و ۳۱ تا ۴۰ ساله بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین سن بزهکاران مرد ۳۶ سال بود که، در میان آنها، ۳۳ درصد را افراد مجرد و ۶۷ درصد را افراد متأهل، ۱۵ درصد را افراد شیعه مذهب و ۸۵ درصد را اهل سنت، ۳۷ درصد را افراد باسواد و ۶۳ درصد را افراد بی سواد، ۴۶ درصد را افراد دارای کارت اقامت و ۵۴ درصد فاقد کارت اقامت تشکیل می‌دادند. در پاسخ به پرسشی مبنی بر دلیل مهاجرت، بیشتر قریب به اتفاق فقر، بیکاری، جنگ و ناامنی را نوشته‌اند. به طور دقیق، ۱۰،۹ درصد به دلایل اقتصادی، ۱۰،۹ درصد به دلایل امنیتی و ۷۸،۳ درصد به هر دو اشاره کرده‌اند. همچنین در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه، چه عواملی مهمترین مانع شما در رسیدن به اهداف تان بوده‌اند، بیشترین فراوانی مربوط به مشکل اقامت است، اگرچه فراوانی افرادی که اذعان داشته‌اند هیچ مانعی بر سر راه آن‌ها نبوده است نیز قابل توجه است. کمترین فراوانی مربوط به ارتکاب جرم است. نتایج نشان می‌دهد که بالاترین فراوانی نوع جرم، به ترتیب، مربوط به مواد و سرقت (با تفاوتی قابل توجه نسبت به سایر جرائم) است و بالاترین فراوانی مجازات آنها مربوط به حبس کمتر از ده سال است.

**یافته‌های توصیفی مربوط به بزهکاران ایرانی در زندان جیرفت:** بر اساس نتایج، در میان شرکت کنندگان در مطالعه افراد ۲۱ تا ۳۰ ساله بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین سن بزهکاران مرد ۳۱ سال است که ۳۳ درصد را افراد مجرد و ۶۷ درصد را افراد متأهل، همه آنها را افراد شیعه مذهب، ۹۵ درصد را افراد شاغل و ۵ درصد را افراد بیکار، ۶۶/۷ درصد دارای درآمد ماهیانه کمتر از ۳۰۰ هزار تومان و سایر افراد دارای درآمد ماهیانه بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان تشکیل می‌دادند. همچنین در میان افراد شرکت کننده در پژوهش، افراد با تحصیلات متوسطه دارای بیشترین فراوانی و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی دارای کمترین فراوانی هستند. پنجاه درصد بزهکاران ایرانی محبوس در زندان جیرفت، شرکت کننده در پژوهش، اظهار داشته‌اند که سابقه مصرف مواد مخدر ندارند و پنجاه درصد باقیمانده به این بزه اذعان داشته‌اند. ۵۵

درصد اظهار داشته اند که هیچ سابقه کیفری قبلی ندارند، در حالیکه ۴۵ درصد معترف به سابقه کیفری قبلی بوده اند. به علاوه، ۹۵ درصد ادعا کرده اند که تاکنون درگیری و بحثی با افغانه نداشته اند، و ۵ درصد باقیمانده به درگیری و بحث قبلی با افغانه اشاره کرده اند. ۵ درصد در پاسخ های خود بیان کرده اند که جرمی نسبت به آنها از طرف افغانه صورت گرفته است، و سایر افراد آن را رد کرده اند. جرم ارتكابی ۹۵ درصد بزهکاران ایرانی محبوس در زندان جیرفت گروگان گیری و آدم ربایی و جرم ۵ درصد باقیمانده قاچاق انسان است و بالاترین فراوانی مربوط به مجازات آنها قرار و حبس کمتر از ده سال بود. همچنین نتایج نشان می دهد که ۸۹ درصد بزهکاران ایرانی محبوس در زندان جیرفت نسبت به افغانه و حضور آنها در ایران دید منفی دارند و افراد باقیمانده گزینه بی تفاوت را انتخاب کرده اند.

**یافته های توصیفی مربوط به بزهکاران افغانستانی در زندان جیرفت:** تعداد ۵ بزهکار افغانستانی در زندان جیرفت زندانی بودند، که چهار نفر از آنها پرسشنامه ها را تکمیل کردند. هر چهار نفر مرد، سنی مذهب و متولد افغانستان بودند. دو نفر ۲۶ ساله، یک نفر ۴۰ ساله و یک نفر ۴۸ ساله است. متوسط سن آنها ۳۵ سال است. سه نفر متأهل و یک نفر مجرد است. تنها یک نفر از آنها باسواد است. هر چهار نفر فاقد کارت اقامت هستند. دو نفر از آنها اذعان داشته اند که در ایران اقوام دارند ولی هیچ یک زن ایرانی ندارند. هر چهار نفر بدون خانواده به ایران مهاجرت کرده اند و سه نفر از آنها بیان داشته اند که به افغانستان پول ارسال می کنند. در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا امکان ادامه تحصیل برای فرزندان شما در ایران فراهم است، همگی پاسخ منفی داده اند. تعداد اعضای خانواده آنها ۴، ۵، ۸ و ۹ نفر است. هر چهار نفر دلیل انتخاب جیرفت به عنوان مقصد مهاجرت را کار بیان کرده اند و ارتباط خود با مردم جیرفت را متوسط بیان کرده اند؛ گرچه هر چهار نفر ادعا کرده اند که در جیرفت مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند. دو نفر از بزهکاران افغانستانی شرکت کننده در مطالعه، در افغانستان به کارگری مشغول بوده اند، یک نفر به امور فروشنده می پرداخته و فرد دیگر بیکار بوده است. در ایران هر چهار نفر در امور مربوط به ساخت و ساز شاغل بوده اند. در پاسخ به پرسشی مبنی بر دلیل مهاجرت، هر چهار نفر فقر، بیکاری، جنگ و ناامنی را نوشته اند و مشکل اقامت را به عنوان مهمترین مانع در رسیدن به اهداف مهاجرت بیان کرده اند. جرم یک نفر از آنها مواد و سه نفر دیگر جعل اسناد و ورود غیر قانونی ذکر شده است. برای هر چهار نفر در زمان انجام مطالعه قرار صادر شده و پرونده آنها در دست اقدام است.

## یافته‌های استنباطی

فرضیه ۱: بین مؤلفه‌های فردی (تحصیلات، سن، درآمد، تعداد اعضای خانواده)، و سطح جرم در مجرمان ایرانی رابطه وجود دارد.

جدول ۱. ضریب همبستگی بین مؤلفه‌های فردی و سطح جرم در مجرمان ایرانی

مؤلفه	فراوانی	ضریب همبستگی	سطح معناداری
تحصیلات	۵۵	-۰/۰۶۴	۰/۶۳۱
سن	۵۲	۰/۰۲۷	۰/۸۴۶
درآمد	۵۵	-۰/۲۲۴	۰/۱۰۰
تعداد اعضای خانواده	۵۵	۰/۱۰۳	۰/۴۴۰

بر اساس یافته‌های پژوهش و با توجه به سطح معناداری به دست آمده، در تمام مؤلفه‌های مورد بررسی، فرض صفر (فرضیه آماری) رد می‌شود. بر این اساس، بین تمام مؤلفه‌های فردی (تحصیلات، سن، درآمد، تعداد اعضای خانواده)، و سطح جرم در مجرمان ایرانی ارتباط معناداری وجود ندارد.

فرضیه ۲: بین مؤلفه‌های فردی (وضعیت اقامت، سن، تعداد اعضای خانواده، تاهل، داشتن زن ایرانی، مهاجرت با خانواده، و قصد برگشت) و سطح جرم در مجرمان افغانستانی رابطه وجود دارد.

جدول ۲. ضریب همبستگی بین مؤلفه‌های فردی و سطح جرم در مجرمان افغانستانی

مؤلفه	فراوانی	ضریب همبستگی	سطح معناداری
وضعیت اقامت	۵۰	۰/۲۷۳	۰/۰۵
سن	۴۳	-۰/۰۲۲	۰/۸۹۱
تعداد اعضای خانواده	۵۰	۰/۰۰۳	۰/۹۸۳
تاهل	۵۰	-۰/۲۸۶	۰/۰۴۴
داشتن زن ایرانی	۵۰	-۰/۲۲۲	۰/۱۲۲
مهاجرت با خانواده	۴۹	۰/۱۶۶	۰/۲۵۵
قصد برگشت	۴۸	-۰/۳۵۹	۰/۰۱۲

بر اساس یافته‌های پژوهش و با توجه به سطح معناداری به دست آمده، در مؤلفه‌های سن، تعداد اعضای خانواده، داشتن زن ایرانی و مهاجرت با خانواده فرض صفر (فرضیه آماری) رد می‌شود. بر این اساس، بین

این مؤلفه‌ها و سطح جرم در مجرمان افغانستانی ارتباط معناداری وجود ندارد. در مؤلفه‌های وضعیت اقامت، تاهل و قصد برگشت، با توجه به سطح معناداری به دست آمده، فرض صفر (فرضیه آماری) تأیید می‌شود و بر این اساس بین این مؤلفه‌ها و سطح جرم در مجرمان افغانستانی ارتباط معناداری وجود دارد. با توجه به ضرایب همبستگی به دست آمده، این ارتباط در مؤلفه وضعیت اقامت مثبت (مستقیم)، و در مؤلفه‌های تاهل و قصد برگشت منفی (معکوس) است.

**فرضیه ۳:** بین نوع جرم در مجرمان ایرانی شهرستان‌های جیرفت و کرمان تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۳. آزمون تفاوت نوع جرم در مجرمان ایرانی شهرستان‌های جیرفت و کرمان

شهرستان	تعداد	مقدار تی	دامنه	سطح معناداری
کرمان	۴۰	۲/۲۰۲	۵۶	۰/۰۳۲
جیرفت	۱۸			

براساس داده‌های جدول ۳، مقدار سطح معناداری به میزان ۰/۰۳۲ محاسبه شد. از آنجا که این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه فرض صفر (فرضیه آماری) در سطح (آلفا=۰/۰۵) رد و فرضیه مقابل ( $H_1$ ) تأیید می‌شود. بر این اساس، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین نوع جرم در مجرمان ایرانی شهرستان‌های جیرفت و کرمان تفاوت معنادار وجود دارد.

**فرضیه ۴:** بین نوع جرم در مجرمان افغانستانی شهرستان‌های جیرفت و کرمان تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۴. آزمون تفاوت نوع جرم در مجرمان افغانستانی شهرستان‌های جیرفت و کرمان

شهرستان	تعداد	مقدار تی	دامنه	سطح معناداری
کرمان	۴۶	-۲/۴۰۸	۳/۳۸۶	۰/۰۲۸
جیرفت	۴			

همان گونه که در جدول ۴ آمده است، مقدار سطح معناداری به میزان ۰/۰۲۸ محاسبه شد؛ از آنجا که این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر (فرضیه آماری) در سطح (آلفا=۰/۰۵) رد و فرضیه مقابل ( $H_1$ ) تأیید می‌شود. بر این اساس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین نوع جرم در مجرمان افغانستانی شهرستان‌های جیرفت و کرمان تفاوت معنادار وجود دارد.

فرضیه ۵: بین نوع جرم در مجرمان شهرستان‌های جیرفت و کرمان تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۵. آزمون تفاوت نوع جرم در مجرمان شهرستان‌های جیرفت و کرمان

شهرستان	تعداد	مقدار تی	دامنه	سطح معناداری
کرمان	۷۵	۰/۲۷۲	۰/۱۲۸	۰/۷۸۶
جیرفت	۵۵			

همان گونه که در جدول ۵ آمده است، مقدار سطح معناداری به میزان ۰/۷۸۶ محاسبه شد. از آنجایی که این مقدار بیشتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه فرض صفر (فرضیه آماری) در سطح (آلفا=۰/۰۵) تأیید و فرضیه مقابل ( $H_1$ ) رد می‌شود. بر این اساس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین نوع جرم در مجرمان شهرستان‌های جیرفت و کرمان، بر اساس پرونده‌ها، تفاوت معنادار وجود ندارد.

فرضیه ۶: بین مؤلفه‌های فردی (سن، سواد، و شغل) در مجرمان شهرستان‌های جیرفت و کرمان تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۶. آزمون تفاوت مؤلفه‌های فردی در مجرمان شهرستان‌های جیرفت و کرمان

شهرستان	تعداد	مقدار تی	دامنه	سطح معناداری
سن	کرمان ۹۴	-۰/۲۵۱	۹/۱۸۶	۰/۶۰۳
	جیرفت ۱۰۳			
سواد	کرمان ۹۴	۰/۲۷۲	۹/۴۹۳	۰/۰۰۰
	جیرفت ۸۶			
شغل	کرمان ۹۴	۳/۵۰۷	۰/۴۷۱	۰/۰۰۱
	جیرفت ۹۰			

همان گونه که در جدول ۶ آمده است، مقدار سطح معناداری در مؤلفه‌های سن، سواد و شغل به ترتیب به میزان ۰/۶۰۳، ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۱ محاسبه شد. از آنجا که این مقدار در مؤلفه سن بیشتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه فرض صفر (فرضیه آماری) در سطح (آلفا=۰/۰۵) تأیید و فرضیه مقابل ( $H_1$ ) رد می‌شود. بر این اساس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین سن جرم در مجرمان شهرستان‌های جیرفت و کرمان تفاوت معنادار وجود ندارد. اما از آنجا که این مقدار در مؤلفه‌های سواد و شغل پایین‌تر از میزان (۰/۰۵) است، در نتیجه فرض صفر (فرضیه آماری) در سطح (آلفا=۰/۰۵) تأیید و فرضیه مقابل ( $H_1$ ) رد می‌شود. بر

این اساس می توان نتیجه گیری نمود که بین شغل و سواد در مجرمان شهرستان های جیرفت و کرمان تفاوت معنادار وجود دارد.

## بحث و نتیجه گیری

جنگ ها و قدرت طلبی های نظامی و سیاسی جناح های داخلی و قدرت های خارجی، زمینه را برای حرکت جمعیت زیادی از اتباع افغانستانی و مهاجرت برون مرزی آن ها فراهم کرده است. در شرایطی که امکان تحصیل و یا فعالیت اقتصادی مناسبی در کشور خود ندارند و امنیت اجتماعی آن ها به مخاطره افتاده است، مهاجرت را در جستجوی شرایط تحصیلی و اقتصادی بهتر و به منظور رسیدن به آرامش نسبی، با تمام سختی هایش برگزیده اند. برای تمییز علت شناسی مهاجرت افغانه، از دسته بندی علل مهاجرت، مطرح شده توسط اورت اس. لی<sup>۱</sup> بهره می گیریم. نتایج پژوهش نشان می دهد که عوامل برانگیزنده موجود در مبدأ، شامل فقر، جنگ و ناامنی، مهمترین علل مهاجرت اتباع افغانستانی هستند؛ درحالی که عامل برانگیزنده اصلی در شهرستان های کرمان و جیرفت عامل کار (به دلیل رونق کشاورزی و ساخت و ساز) است. همچنین می توان به مشترکات مذهبی و فرهنگی مردم جنوب استان کرمان با برخی طوایف افغان نیز اشاره کرد.

برای بررسی جرائم و دلایل ایجاد زمینه های آن از نقطه نظر جرم شناختی، با توجه به نظریه بوم شناسی، باید ابتدا به محل زندگی مهاجران افغانستانی در شهرهای جیرفت و کرمان توجه کرد. بررسی میدانی نشان می دهد که چه در سال های قبل از منطقه ممنوعه شدن شهر جیرفت (برای اقامت و تردد مهاجران افغانستانی) و چه پس از آن، سکونت گاه های مهاجران افغانستانی در سطح شهر پراکنده اند و بیشتر آن ها در محله های قدیمی و در خانه های خشتی زندگی می کنند. در واقع شهرستان جیرفت را نمی توان دقیقاً به شکل نظریه مکتب شیکاگو به پنج منطقه تقسیم کرد، زیرا مناطق قدیمی و فقیرنشین و مناطقی که افراد توانمند در آن ساکن هستند، در هم تنیده اند؛ اما در برخی مناطق شهر محله هایی مختص به افراد ثروتمند، اغلب تحصیل کرده و یا بازاری، وجود دارد که کوچه هایی عریض تر با خانه هایی بزرگ، مجلل و با امنیت بالا از ویژگی های آنهاست و می توان این مناطق را به منطقه چهار تعبیر کرد. در عوض در

1. Everett S. Lee

مناطق بسیار قدیمی شهر کوچه‌هایی وجود دارد که اغلب تنگ، تاریک و با امنیت بسیار پایین هستند و خانه‌هایی قدیمی، خشت و گلی و کوچک در آنجا قرار دارند. این خانه‌ها به دلیل اینکه به سختی اجاره می‌روند اغلب توسط مهاجران افغانستانی اجاره می‌شوند و می‌توان این محله‌ها را منطقه دو به حساب آورد. در شهرستان جیرفت، موضوع بزه‌کاری‌بودن مهاجران افغانستانی به مراتب کم‌رنگ‌تر از بزه‌دیدگی آنهاست. بر این اساس تأیید شد که اتباع بیگانه‌ای که در این شهرستان ساکن هستند، بیشتر بزه‌دیدگانی هستند که مورد سوء استفاده افراد خلافکار، و در واقع بزه‌کاران بومی، قرار می‌گیرند. مهاجران غیر قانونی افغان که به سختی وارد ایران می‌شوند، در شهرستان جیرفت به دنبال کار هستند و با درآمد کم مجبورند در محله‌های قدیمی و خانه‌های کوچک زندگی کنند تا هم هزینه کمتری بدهند و هم از دید مأموران دور بمانند. همین امر باعث شده تا در این محله‌های تنگ و تاریک گاه در شب مورد اخاذی قرار گیرند و اموال آنها به سرقت رود و گاه ربوده شده و گروگان گرفته شوند.

در شهر کرمان محله‌هایی که مهاجران افغانستانی در آنجا زندگی می‌کنند اغلب به کارگاه‌های ضایعاتی تبدیل شده‌اند. اتباع افغانستانی و بیشتر کودکان آنها در سطح شهر به جمع‌آوری ضایعات می‌پردازند و در خانه‌ها انبار می‌کنند. ضایعات جمع‌آوری شده را در همان محل زندگی و یا در کارگاه‌های اطراف شهر ذوب می‌کنند. وجود ضایعات در کنار خانه‌ها، علاوه بر این که محله‌های مربوطه را بسیار زشت کرده، این مکان‌ها را تبدیل به محل تردد سارقان کرده است، به طوری که بسیاری از اموال مسروقه در همین کارگاه‌های ضایعاتی و خانه‌های پر از ضایعات مهاجران خرید و فروش می‌شوند و امنیت و سلامت محله‌ها به شدت به خطر افتاده است. در واقع این محله‌ها فرصت‌های بسیاری برای بزه‌کاران، از جمله معامله گران مواد مخدر، مال‌خرهای حرفه‌ای و ساکنانی که کالاهای به سرقت رفته را خرید و فروش می‌کنند، فراهم می‌آورد. آمار به دست آمده از پرسشنامه‌ها و پرونده‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که بیشترین جرائم ارتكابی توسط بزه‌کاران افغانستانی مقیم کرمان سرقت و مواد (۷۰ درصد) هستند، که این ناشی از شرایط زندگی آنهاست.

مشکلات اجتماعی در این نواحی شهر به علت الگوهای کنترل نشده مهاجرت و در نتیجه ایجاد محله‌هایی است که در آنها اهالی، که اغلب مهاجران هستند، از فرهنگ کلی جامعه جدا افتاده‌اند. مهاجران غیر قانونی در کنار اهالی بومی به اجبار قرار گرفته‌اند و دچار یک همزیستی بیمارگونه هستند. بنابراین



گرایش‌های فرهنگی دیگری جدای از فرهنگ مسلط در دیگر مناطق شکل می‌گیرد، به طوری که افراد مرتباً در معرض یادگیری الگوهای موافق قانون‌شکنی هستند (ممتاز، ۱۳۸۷، ص ۸۵). گاه در همین محله‌ها درگیری‌های منجر به ضرب و شتم و حتی قتل اتفاق می‌افتد. براساس نتایج پژوهش، اغلب مهاجران افغانستانی در شهر کرمان بزه‌کار هستند تا بزه‌دیده.

از آنجا که مهاجران غیر قانونی افغان از همان ابتدا به دلیل کنترل ناقص مرزهای شرقی کشور، به طور غیر مجاز وارد کشور می‌شوند اولین قانون کشور جمهوری اسلامی ایران را نقض می‌کنند و بدون معرفی خود به مقامات رسمی، غیر قانونی و مخفیانه وارد شده و در مناطقی چون شهرهای جیرفت و کرمان ساکن می‌شوند. این افراد از ابتدا خود را از سوی مقامات رسمی و مردم منطقه طرد شده می‌دانند. بنابراین سعی می‌کنند ابتدا مخفیانه در خانه‌های قدیمی که کمتر مورد توجه هستند ساکن شوند و سپس به صورت پنهانی در مشاغلی، از جمله کارگری در مزارع و باغ‌ها و ساختمان‌سازی، مشغول به کار شوند. این روش زندگی در جامعه‌ای که از لحاظ فرهنگی با ویژگی‌های فرهنگی جامعه مبداء متفاوت است، فرصت ادغام و پیوند اجتماعی را از مهاجران افغانستانی می‌گیرد.

هیرشی<sup>۱</sup> نظریه پردازی بود که یک نظریه کنترل اجتماعی جامع پیشنهاد کرد، مبنی بر اینکه احتمال ارتکاب اعمال بزهکارانه در میان افراد وابسته به گروه‌های اجتماعی، مانند خانواده، مدرسه و مانند آن کمتر است (ولد، ۱۳۸۰، ص ۲۸۲). مهاجران اغلب افرادی بی‌سواد هستند که برای رد شدن آسان‌تر از مرز بدون خانواده وارد کشور می‌شوند. آنها خانواده خود را در افغانستان رها می‌کنند تا با کارکردن در ایران هر سال پولی برای آنها بفرستند. بنابراین هدف اصلی آنها کسب درآمد و پول است. این افراد با هیچ یک از گروه‌های اجتماعی در ارتباط نیستند و وابستگی به خانواده، فرهنگ و جامعه حاضر در آن، ندارند. هیرشی، از وابستگی به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر بستگی اجتماعی و عنصری ضروری برای درون‌برد ارزشها و هنجارها یاد می‌کند. عنصر دیگری که اهمیت فراوانی دارد، در آمیختگی با فعالیت‌های قراردادی جامعه است (ولد، ۱۳۸۰، ص ۲۸۳). مهاجران اغلب در کارهای سطح پایین مشغول می‌شوند و از آنجا که هدف اصلی آنها به دست آوردن پول کافی برای خود و خانواده است، اگر نتوانند به این هدف برسند دچار سرخوردگی می‌شوند. این احساس ناکامی، به خاطر در اختیار نداشتن شیوه‌های قانونی دستیابی به

1. Hirschi

هدف، می‌تواند منجر به نتایج نامطلوب شود. این نتایج به شخصیت فرد و سابقه فرهنگی او برمی‌گردد. در صورتی که جامعه‌پذیری این افراد به صورت مناسبی شکل نگرفته باشد، واکنش آنها، در این شرایط نامطلوب، می‌تواند به این شکل باشد که، در حالت تضاد میان اهداف و شیوه‌ها، با رهاکردن شیوه‌ها و یافتن راهکارهای دیگر، به کارهای غیر قانونی برای کسب درآمد و رسیدن به هدف دست بزنند و این با ارتکاب جرم، کج رفتاری و هنجارشکنی ارتباط مستقیم دارد (ممتاز، ۱۳۸۷، ص ۷۰).

کودکان این مهاجران به دلیل زندگی در شهر جیرفت که منطقه ممنوعه اعلام شده، حق رفتن به مدرسه را ندارند. اغلب به کارگری در مغازه‌ها و یا جمع‌آوری ضایعات می‌پردازند و از آموزش لازم جهت یادگیری هنجارها و ارزش‌های جامعه محروم هستند. در نتیجه این ارزشها در آنها درونی نشده و روند جامعه‌پذیری برای این کودکان به صورت مناسبی شکل نمی‌گیرد. و در آینده و سنین نوجوانی و جوانی تهدیدی برای سلامت و امنیت جامعه محسوب می‌شوند. این کودکان هر چند در ایران بزرگ می‌شوند اما پیوندی میان خود و جامعه نمی‌بینند. از آنجا که آموزشهای لازم را ندیده‌اند، از سطح سواد و فرهنگ پایین‌تری برخوردارند و خود را از همسالان، پایین‌تر احساس می‌کنند و این سرخوردگی به اعمال هنجارشکنانه و بزهکارانه خواهد انجامید.

مصاحبه‌های انجام شده با مقامات انتظامی و امنیتی شهرستان‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که نخستین اثر سوئی که مهاجران غیر قانونی با خود به ارمغان می‌آورند زیر سوال بردن قوانین ورود و خروج، کار و ازدواج و ضمانت اجرای آنهاست. علاوه بر این، آثار منفی اقتصادی همچون افزایش نرخ بیکاری و توقف افزایش منطقی دستمزدها را نیز در پی دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که اگر کارگران مهاجر ایران را ترک کنند و مشاغل آنها به کارگران ایرانی سپرده شود، نرخ بیکاری به کمتر از ۸ درصد کاهش خواهد یافت (کریمی موعاری، ۱۳۸۳، ص ۲۴). همان‌گونه که در نتایج آماری پژوهش دیده می‌شود اکثر بزهکاران ایرانی دارای درآمد ماهیانه کمتر از ۶۰۰ هزار تومان است، که این نتیجه سپرده‌شدن مشاغل به کارگران افغانستانی با دستمزد کمتر از میزان معقول است. از آسیب‌های اجتماعی حضور اتباع افغانستانی در ایران، که خود نقشی اساسی در افزایش ظرفیت جنایی ایفا می‌کند، ازدواج‌های غیر قانونی و تولد کودکان بی‌هویت است. نتایج آماری این پژوهش نشان می‌دهد که ۳۶ درصد بزهکاران افغانستانی متولد ایران هستند و بنابراین نسل دوم مهاجران نیز سهم قابل توجهی در افزایش ظرفیت جنایی مناطق مورد مطالعه

دارند. با توجه به نظریات گاروفالو و ژان پیناتل، شخصیت جنایی و وضعیت پیش جنایی شاخص‌های مهمی در تشخیص ظرفیت جنایی افراد هستند. مطالعه پرونده‌های موجود در دادسراهای شهرستان‌های کرمان و جیرفت و مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد که هیچگونه اطلاعات و سابقه شخصیتی از وضعیت پیش جنایی مجرمان در دسترس نیست. تشکیل چنین بانک اطلاعاتی درباره مهاجرانی که از فضایی خشن و ناامن با ناهنجاری‌های روحی و روانی آمده‌اند بسیار ضروری است.

یافته‌های استنباطی پژوهش حاضر، از وجود ارتباط مستقیم بین وضعیت اقامت و سطح جرم در مجرمان افغانستانی حکایت دارد، به این معنا که افراد فاقد کارت اقامت جرائم سنگین تری مرتکب شده‌اند. این موضوع نیز مؤید این مطلب است که لازم است با بکارگیری تمهیدات مناسب ورود غیر قانونی مهاجران به کشور کاهش یابد. همچنین افرادی که قصد برگشت به افغانستان را داشته‌اند جرائم سنگین تری را مرتکب شده‌اند و این نشان می‌دهد که این بزهکاران خروج از کشور پس از انجام جرم را بسیار ساده می‌بینند؛ در صورتی که این یکی از مهمترین عوامل بازدارنده ارتکاب جرم توسط خارجی‌ها در یک کشور است.

**پیشنهادها:** با توجه به مشکلات و چالش‌های مطرح شده و اثر سوء حضور غیر قانونی اتباع بیگانه در کشور، می‌توان راهکارهای پیشگیری را این گونه عنوان کرد: ۱. کنترل ورود و اقامت غیر مجاز اتباع افغانستانی؛ ۲. نگهداری اتباع افغانستانی در اردوگاه‌های مراقبتی و ۳. کنترل و نظارت پیش‌نگر بر اعمال آن‌ها (غلامی، ۱۳۸۱). این موارد کنترل دقیق‌تر مرز و همین‌طور ساماندهی مهاجران حاضر در کشور را از طریق نظارت نیروهای انتظامی و دولتی بر اعمال آن‌ها می‌طلبد.

## فهرست منابع

- ابوالمعالی، خدیجه. (۱۳۸۹). نظریه‌های جرم‌شناسی و بزهکاری (با تاکید بر شناخت اجتماعی). تهران: انتشارات ارجمند.
- بابایی، محمدعلی. (۱۳۹۰). جرم‌شناسی بالینی. تهران: نشر میزان.
- برومند، آرمین. (۱۳۸۳). حقوق بشر و حمایت از پناهندگان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۱). ترمینولوژی حقوق. چاپ دوازدهم. تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- زند رضوی، سیامک، رحیمی پور انارکی، ناهید (۱۳۹۰). مقایسه وضعیت کودکان کارگر ایرانی و افغان در استان کرمان بر پایه چهار اصل پیمان نامه حقوق کودک، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۵، شماره ۱، صص ۲۰-۱.
- صفا، عزیزالله. (۱۳۷۳). تاریخ جیرفت و کهنوج. تهران: انتشارات مرکز کرمان شناسی.
- عمید، حسن. (۱۳۸۸). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات فرهنگ نما.

- غلامی، علی. (۱۳۸۱). نحوه کنترل و نظارت ناجا بر افغانه و تأثیر آن بر جرائم و مقایسه تطبیقی آن با کشور پاکستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- فدوی بنده قرایی، احمد. (۱۳۸۶). جایگاه پناهندگان در اسلام و حقوق بین الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- کریمی موغاری، زهرا. (۱۳۸۳). تأثیر مهاجران افغانستانی بر سطح دستمزد و اشتغال در ایران. فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، (۱۸)، صص ۵۷-۸۸.
- مارتین، فیلیپ، ویگرن، جوناس. (۱۳۸۶). مهاجرت بین المللی (رویارویی با چالش ها)، ابوالقاسم ناظمی و محمد عاملی خراسکانی، مترجمان. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۷). انحراف اجتماعی (نظریه ها و دیدگاه ها). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ولد، جرج؛ برنارد، توماس و اسنیپس، جفری. (۱۳۸۰). جرم شناسی نظری (گذری بر نظریه های جرم شناسی). علی شجاعی، مترجم. تهران: انتشارات سمت.